

کتابفروشی گمشده

www.ketab.ir



سرشناسه :	وودز، ایوی Woods, Evie
عنوان و نام پدیدآور :	کتابفروشی گمشده / ایوی وودز؛ [مترجم] سینا عسکری
مشخصات نشر :	تهران : انتشارات نارنگی، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری :	۵۳۳۲ ص؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک :	۹۷۸-۶۲۲-۵۳۳۸-۹۹۳
وضعیت فهرست نویسی :	فیا
یادداشت :	عنوان اصلی: The Lost Bookshop، ۲۰۲۴
موضوع :	داستان های ایرلندی - قرن ۲۱م - 19th century - Irish fiction
شناسه افزوده :	عسکری، سینا، ۱۳۷۵. مترجم
رده بندی کنگره :	PZ۴
رده بندی دیویی :	۸۲۳/۹۲
شماره کتابشناسی ملی :	۹۷۹-۷۶۷
اطلاعات رکورد کتابشناسی :	فیا



این کتاب اولین بار در
ایران توسط نشر نارنگی
ترجمه و به چاپ رسیده
است.



ما را در فضای مجازی دنبال کنید

نشر نارنگی
کتابفروشی گمشده
نویسنده : ایوی وودز
مترجم : سینا عسکری
ویراستار : فاطمه حسین پور
مصحح : محسن صادقیان
طراح جلد : حسین فلاح
نوبت چاپ : اول ۱۴۰۳ (پاییز)
شمارگان : ۱۰۰ نسخه (رقعی)
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۵۳۳۸-۹۹-۲
تلفن : ۰۲۱ - ۶۶۴۱۰۴۱۰
سایت : pubnarengi.com
قیمت : ۱۶۰۰۰ تومان

نشر نارنگی از هر چسب یا لیبل برای تغییر قیمت استفاده نمی کند

مقدمه

در یک روز سرد زمستانی، خیابان‌های بارانی دوبلین^۱ جایی برای پرتاب کردن یک پسر بچه نبود. اکنون همان پسر دماغش را به ویتترین جذاب‌ترین کتاب‌فروشی منطقه چسبانده بود. چراغ‌های چشمک‌زن مغازه و جلد‌های رنگارنگ کتاب‌ها، پسرک را صدا زده و نویدبخش داستان‌های ماجراجویانه و هیجان‌انگیزی بودند. ویتترین کتاب‌فروشی از چیزهای پرزرق‌وبرقی مانند بالون‌های مینیاتوری آویزان شده از سقف و جعبه‌های موسیقی که پُر بود از پرندگان مکانیکی و چرخ‌وفلک‌هایی که داخل آن می‌چرخیدند و موسیقی می‌نواختند. خانم فروشنده با دیدن پسرک برایش دست تکان داد. پسرک درحالی‌که سرخ شده بود، سرش را تکان داد.

پسرک از پشت شیشه گفت: «مدرسه‌م دیر می‌شه.»

خانم فروشنده لبخند زنان سرش را تکان داد. رفتارش دوستانه به نظر می‌رسید.

پسرک پس از چند لحظه گنگ‌آوردن با میل رفتنش به داخل مغازه، با خودش گفت خب، فقط به دقیقه می‌رم و برمی‌گردم.

خانم فروشنده پشت پیشخوان در حال بیرون‌درآوردن کتاب‌هایی از یک کاترین بزرگ بود که ناگهان نگاهش به پیراهن رنگ‌ورورفته، موهای ژولیده و جوراب‌های لنگه‌به‌لنگه^۲ پسرک افتاد. کتاب‌فروشی اوپالین^۳ مثل یک آهن‌ربا پسران و دختران را به سمت خود جذب می‌کرد.

پرسید: «کلاس چندمی؟»

پسرک درحالی‌که سرش را بالا گرفته بود و به هواپیماهای چوبی آویزان شده از سقف نگاه می‌کرد، پاسخ داد: «کلاس سوم، توی مدرسه سنت ایگناتیوس».^۴

«اونجا رو دوست داری؟»

پسرک در دلش به این سوال خندید.

خانم فروشنده، لحظه‌ای خودش را با ورق‌زدن کتاب قدیمی ترفندهای جادویی مشغول کرد. طولی نکشید که پسرک به میز او نزدیک شد و به لوازم‌التحریرها نگاه کرد.

1. Dublin

2. Opaline

3. St Ignatius